



جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس

*عبدالرسول دیانی **معصومه براهیم باستانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۶

چکیده

مقاله پیش رو در مقام مقایسه عملکرد حقوق ایران و انگلستان در رابطه با جبران خسارت بدنی برآمده و به هدف مشترک دو نظام دایر بر جبران خسارت وارده و جلب رضایت زیان دیده، و اعاده وضع پیشین زیان دیده است. اما در حقوق این دو کشور انواع مختلف ضررهای مادی و معنوی و جسمی با روش واحدی قابل جبران نیستند. به علاوه در نظام حقوقی انگلستان، مبلغ معینی برای جبران تمام خسارات بدنی در نظر گرفته نشده و جای خود را به ارزیابی موردی خسارت جانی داده که تعیین میزان این خسارت بر اساس موقعیت و ویژگی های زیان دیده و اوضاع و احوال هر مصدوم به طور ویژه تعیین می شود و هنوز معیار مشخص و معینی برای جبران این خسارات وجود ندارد. این در حالی است که حقوق ایران مبلغ ثابتی در همه انواع خسارات بدنی اعم از خسارات عمدی و غیرعمد تحت عنوان دیه در نظر گرفته است.

واژگان کلیدی: دیه، خسارت مالی، خسارت غیرمالی، مسئولیت زیان دیده، مجازات فاعل

جرم

*استادیار دانشکده حقوق واحد تهران مرکز و پیام نور تهران
**کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران مرکزی

مقدمه

انسان از لحظهٔ آفرینش به عنوان اشرف مخلوقات در نزد پروردگار آن چنان ارج و قدر داشت که پروردگار عالم از روح خود در او دمید و آن چنان آدمی را گرامی داشت که تمامی جن و ملائک در مقابل انسان سر سجده فرود آوردند. خداوند به انسان قدرت تفکر و تعقل و اختیار بخشید ولی انسان را به حال خویش رها نمود و او را در برابر احترام به حیات یکدیگر مسئول قرار داد. همان گونه که خلقت انسان امری خارج از ارادهٔ انسان‌های دیگر است، اختیار مرگ و حیات او نیز در دست دیگران نیست. انسان‌ها نیز در راستای پیروی از فرمان الهی و دستورات اخلاقی، جان یکدیگر را محترم دانسته و قوانین جاری را بر همین مبنا استوار ساخته‌اند. بحث قابلیت جبران خسارات از دیرباز جزء موضوعات جنجال برانگیز حقوق تمام کشورها بوده و اهمیت ویژه بدان داده شده است زیرا هر کس زبانی به دیگری وارد نماید، صرف نظر از نوع آن (مالی، معنوی، بدنی و جانی) در صورت جمع بودن دیگر شرایط (فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطهٔ سببیت) مکلف به جبران کامل همهٔ خسارت می‌باشد. شخصی که از فعل زیان‌بار متضرر شده می‌تواند جبران خسارت وارد آمده را خواستار شود. الزام به جبران خسارت تا اندازه‌ای اثر تأدیبی بر خطاکار دارد و در عین حال تا حدودی زیان دیده آن را التیام‌بخش صدمه‌ای می‌داند که به او وارد شده است. علاوه بر این، حکمی که خطاکار را ملزم به جبران خسارت می‌کند، ممکن است خطاکار و دیگران را از ارتکاب آن فعل زیان‌بار در آینده باز دارد. سرانجام این که الزام به جبران خسارت عموماً مانع از آن می‌شود که عامل زیان، منفعتی را از طریق فعل زیان‌بار ارتکابی به دست آورد. النهایه، این جبران خسارت که به عنوان امر مسلم مورد پذیرش نظام‌های حقوقی است، حسب یک نظام با نظام دیگر متفاوت می‌گردد و در این ارتباط تفاوت آشکاری بین نظام حقوق انگلیس با نظام ایران که برگرفته از فقه امامیه است دیده می‌شود که این مقاله در صدد روشن کردن آن است.

بخش اول: مفهوم صدمات بدنی و قوانین مرتبط با آن در حقوق ایران

و انگلیس

در این بخش ابتدا در مبحث اول با معنای لغوی و اصطلاحی صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس آشنا می‌شویم و آنگاه در مبحث دوم به بررسی قوانین حقوق ایران و انگلیس در رابطه با این نوع خسارت می‌پردازیم.

مبحث اول: معنای لغوی و اصطلاحی صدمات بدنی

خسارت در لغت به معنی ضررکردن، زیان‌مندی، ضرر و زیان‌آورنده است، لیکن در معنای اصطلاحی، این واژه به دو مفهوم خسارت به معنای زیان وارد شده (ضرر) و خسارت به معنای جبران ضرر وارد آمده است. در عرف نیز این کلمه در معنای خسارت زدن و خسارت پرداختن استفاده می‌شود.^۱

ضرر در حقوق ایران به طور مطلق کاستی در نفس، عضو، آبرو یا مال تعریف شده است. لفظ ضرر که در مقابل نفع استعمال می‌شود، در لغت به معنای نقصان و زیان است. زمانی که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت اشخاص لطمه وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است. ضرر را می‌توان به سه نوع ضرر مادی، معنوی و بدنی تقسیم کرد. در رابطه با ضرر مادی باید گفت که در حقوق ایران اعم از قوانین مدنی و جزایی، ضرر مادی تعریف نشده است؛ ولی می‌توان ضرر مادی ناشی از ارتکاب جرم را این گونه تعریف کرد: «ضرر مادی عبارت است از کسر ثروت یا دارایی یا از بین رفتن مال یا منافع اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی به واسطه ارتکاب جرم». ضرر معنوی ناشی از جرم نیز عبارت از لطمه‌ای است که به یک حق غیرمالی اشخاص در اثر وقوع جرم وارد می‌شود؛ مانند از بین رفتن حیثیت و اعتبار یا صدمات روحی وارده بر شخص. در نهایت، ضرر بدنی حد

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، جلد دوم، انتشارات سی‌گل، ه تا خ تعریف واژه خسارت، ۱۳۸۲

۱۴۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

واسط بین ضرر مادی و معنوی است. البته، در وقوع جرم غالباً ضرر معنوی با ضرر مادی توأمأ ایجاد می‌شود که مراد از ضرر بدنی هرگونه آسیبی است که بر تمامیت جسمی شخص وارد می‌شود و شامل شکستگی یا نقص عضو و از کارافتادگی یا فوت شخص می‌گردد.

اما در حقوق انگلستان برای معادل واژه خسارت از واژه **Damage** (در صیغه مفرد) استفاده شده است. ^۱ولی صیغه جمع کلمه **Damages** به معنای تاوان یا غرامت پولی است که در مقام جبران ضرر یا زیان‌های وارده به شخص یا اموال او در اثر ارتکاب یک فعل یا ترک فعل غیرقانونی یا عمل خطاکارانه حکم به پرداخت آن می‌شود. البته برای خسارات بدنی عموماً واژه **injury** و یا بعضاً **loss** مورد استفاده قرار می‌گیرد. در انگلیس جبران خسارت عبارت است از پرداخت مبلغی پول یا غرامت که به واسطه طرح دعوا و صدور حکم به نفع خواهان قابل مطالبه و دریافت می‌باشد. این معنا در عبارت یکی از مؤلفان به نام حقوقی انگلستان، به این شرح توصیف شده است: «توصیف موسع زیان شامل هرگونه صدمه به شخص یا شخصیت یا اموال خواهان می‌شود. مفهوم صدمه به شخص واضح است و نیاز به توضیح ندارد، اما لطمه وارده به شخصیت شامل ایراد آسیب به احساسات، حیثیت و شهرت فرد می‌شود. ایراد زیان به اموال خواهان شامل صدمه به اموال خاص و موجود او یا به طور کلی لطمه به دارایی یا وضعیت مالی شخص می‌باشد.»^۳

۱. ناصر کاتوزیان، الزامات خارج از قرارداد، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶
2. Henry Campbell Black, Black's Law Dictionary, West Group, 1999, P.204
3. G.H Treitel, The Law Of Contract, Sweet & Maxwell/ Stevens & Sons, 1995, P.669

مبحث دوم: قوانین مرتبط با صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس

الف: قوانین ایران

در حقوق ایران هر چند قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ حکمی راجع به جبران خسارات بدنی نداشت، اما پس از پیروزی انقلاب سه قانون حدود و قصاص، دیات و کلیات در سال ۱۳۶۱ و در سال ۷۰ با اصلاحاتی در یک قانون جمع و از تصویب مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشت و عنوان قانون مجازات اسلامی به خود گرفت. قسمت دیات این قانون عمدتاً به خسارات بدنی مرتبط است. در سال ۷۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به قانون مزبور اضافه شد و نهایتاً در سال ۸۶ برای تصویب یک قانون جامع، لایحه مجازات اسلامی شامل کلیات، حدود، قصاص و دیات از سوی قوه قضاییه تهیه و پس از جرح و تعدیل زیاد در کمیسیون‌های مجلس و دولت و شورای نگهبان نهایتاً قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۹۲/۲/۱ به تصویب رسید. کتاب چهارم این قانون مشتمل بر مواد ۴۴۸ به بعد به طور اخص به بحث دیات اختصاص پیدا کرده است.

دومین قانون مرتبط در این زمینه قانون مسئولیت مدنی است مصوب ۱۳۳۹ به طور عمده از قانون تعهدات کشور سوئیس و قانون مدنی کشور آلمان اقتباس گشته و مشتمل بر ۱۶ ماده است. تدوین‌کنندگان این قانون بر آن بوده‌اند که مقررات قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ در زمینه ضمان قهری را تکمیل کنند. در ماده یک قانون مزبور آمده است: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». به طور کلی می‌توان گفت که به موجب این قانون هرگونه ضرر اعم از مادی و معنوی مسئولیت‌آور بوده و وارد کننده آن موظف به جبران می‌باشد. به موجب مواد ۱، ۲، ۵ و ۶ قانون فوق در مواقع بروز صدمات بدنی خسارت‌هایی که متوجه شخص آسیب‌دیده می‌شود قابل

۱۴۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

مطالبه هستند؛ این خسارات شامل هزینه معالجه، خسارت از کار افتادگی، افزایش مخارج زندگی، خسارت معنوی می‌باشند.

ب: قواعد موجود در نظام انگلیس

می‌دانیم که حقوق انگلیس از نظام حقوقی کامن‌لا که به نظام رویه قضایی و سابقه قضایی هم معروف است تبعیت می‌کند و این حقوق اساساً ساخته دست قضات است و نه لزوماً قوه مقننه و یا اقدامات اجرایی قوه مجریه. قاضی در این نظام حقوقی به هنگام مطرح شدن دعوای جدید و در مواردی که طرفین در ماهیت دعوی اختلاف دارند، به جای استفاده از مواد قانونی و اصول کلی حقوقی به مقایسه عناصر دعوی مطرح شده با دعوای رسیدگی شده قبلی با استفاده از «فن تفکیک»^۱ می‌پردازد و در صورت شباهت بین عناصر دو دعوی، حکم مشابه صادر می‌نماید. در غیر این صورت، اگر قاضی تشخیص دهد که دعوی مطروح اساساً با دعوی سابق متفاوت است، از آن قاعده عدول کرده و رأی جدید صادر می‌کند و چه بسا این رویه جدیدی ایجاد نماید.^۲ بنابراین، در حقوق انگلیس اساساً قانون خاصی به شیوه معمول در نظام رومی ژرمنی که حقوق ما از آن تبعیت می‌کند وجود ندارد و ما ضرورتاً این حقوق را از لابه لای آرای گوناگون در پرونده‌های مختلف استخراج می‌کنیم.

بخش دوم: انواع خسارات ناشی از صدمات بدنی

صدمات جانی از طرفی منجر به خسارات غیرمادی مجنی علیه می‌شود و از طرف دیگر در پی ورود این صدمات معمولاً خسارات مادی و اقتصادی بر مصدوم تحمیل می‌شود، که از نظر ماهیت و قابلیت ارزیابی با خسارات غیرمادی متفاوت است. بنابراین،

۱. سید حسین صفایی، درآمدی بر حقوق تطبیقی دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، نشر میزان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹

۲. غلامرضا خواجه، قاعده سابقه در حقوق انگلیس و کامن‌لا برگرفته از سایت www.vakil.net تاریخ مراجعه ۹۳/۳/۲۱

از طرفی، خسارات معنوی و غیرمالی (از جمله ناراحتی تحمل صدمه و دردهای ناشی از آن، محرومیت موقت یا دایم از عضو، کسر زیبایی، عدم توانایی پرداختن به تفریحات و ورزش) که قابل اندازه‌گیری مادی و پولی نیستند و از طرف دیگر، خسارات مادی و اقتصادی که در پی صدمات جانی ایجاد می‌گردد، قرار دارد. این خسارات شامل هزینه درمان، تلف منفعت کاری و از کارافتادگی، هزینه‌های استخدام دیگری برای مراقبت و پرستاری دایم یا موقت از زیان‌دیده بوده و طبیعتی کاملاً مادی و مالی دارند لذا قابل اندازه‌گیری و جایگزینی با پول می‌باشد.

مبحث اول: خسارات معنوی ناشی از صدمات بدنی

الف: خسارت معنوی وارده به شخص

مقصود از ضرر معنوی خسارتی است که چهره مالی و اقتصادی ندارد و به حقوق مالی و دارایی شخص صدمه نمی‌زند، ولی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیرمالی او می‌شود. در اینجا بررسی می‌کنیم که آیا قوانین ایران و انگلستان خسارت معنوی را قابل جبران می‌دانند؟

برخی معتقدند که زیان معنوی قابل جبران نیست؛ چون این امور ملموس نیستند، دادرس نمی‌تواند میزان آن را تعیین و خطاکار را به جبران آن به نحو مناسبی محکوم سازد. برخی دیگر معتقدند دیه می‌تواند از جمله نقش معادل‌سازی خسارات غیراقتصادی ناشی از خسارات جانی را به خوبی ایفا کند، همان‌طور که گفته شد، این خسارات به علت غیرمالی بودن با هیچ منطقی قابل ارزیابی و معادل‌سازی با معیار مادی و مالی نیست و هر راه‌حلی که توسط قضات یا قانونگذاران برای تعیین معادل مالی این خسارات غیرمالی پیشنهاد شود قابل ارزیابی علمی نیست. در قانون اساسی

۱. فرهاد پروین، خسارت معنوی در حقوق ایران، انتشارت ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷

۲. ایرج بابایی، جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲۸، ۱۳۸۹، ص ۱۳

۱۴۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

جمهوری اسلامی ایران به صراحت از ضرر و زیان‌های معنوی و لزوم جبران آن نام برده شده است و مطابق قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ متضرر از جرم می‌تواند از دادگاه جزا محکومیت مجرم را به جبران ضرر و زیان معنوی خویش بخواهد، اما هر چند متأسفانه نه در قانون قدیم مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و نه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ هیچ اشاره‌ای به قابلیت یا عدم قابلیت جبران خسارات معنوی نشده اما خوشبختانه تا حدی این نقصان با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳ در ماده ۱۴ برطرف گردید. ماده ۱۴ این قانون به صراحت علاوه بر قابل مطالبه بودن خسارات معنوی مبادرت به ارائه تعریفی تقریباً مشابه با ماده ۲ و ۱۰ (ق.م.م.) نموده است. هر چند هنوز لزوم وجود یک قانون ماهوی راجع به جبران خسارات معنوی در قانون مجازات اسلامی به وضوح دیده می‌شود اما باید به هر حال اقدام قانونگذار را در وارد کردن اصل امکان خسارات را هر چند در ضمن یک قانون شکلی ستود. علی‌هذا در وضعیت کنونی خسارات معنوی قابل مطالبه‌اند و از آن جا که این صدمات روحی در افراد با توجه به شخصیتشان یا بسته به زن یا مرد، پیر یا جوان بودنشان متفاوت است، تعیین میزان آن باید بنا حسب نظر کارشناس ارزیابی گردد.

در نظام حقوقی انگلیس دعاوی مربوط به لطمه به احساسات و رنج روحی ناشی از ترس و اضطراب و تحقیر، از دست دادن توانایی سازش با شرایط زندگی و تجاوز به شخصیت و حقوق مربوط به شخص، مورد پذیرش قرار گرفته است. به طور مشخص از قرن نوزدهم، جبران اینگونه خسارت‌ها در ابعاد مختلف از جمله صدمات جسمی و درد و رنج بدنی پیش‌بینی شده و رأی دادگاه استیناف در سال ۱۹۶۲ و مجلس اعیان در سال ۱۹۶۴، مبنای جبران خسارت معنوی در صدمات روحی و از دست دادن تعادل فیزیکی محسوب می‌شود.^۱ در نظام حقوقی این کشور صرف صدمات روحی، قابل

1. Appeal court 1962, 1QB 638 in case vise v.kaye; AC, 1964, 326 HL, lord of House in case H.west & son Ltd. V. shepherd; law com p.2 به نقل از: هدایت

جبران نیست و جبران خسارت را تنها در شکست‌های عصبی و اختلالات روانی مجاز می‌داند. بنابراین، هر صدمه روحی و عصبی یا غم و اندوه عادی، ضرر قابل جبران به حساب نمی‌آید و تنها لطمات روحی و عصبی قابل جبران هستند که از سنگینی ویژه‌ای برخوردار باشند به نحوی که از نظر روانپزشکی بر اساس اسناد و مدارک ارائه شده در حد بیماری روحی و روانی به شمار آید این خسارات برای هر کس به طور جداگانه با توجه به عوامل متعددی مانند سن و شخصیت اجتماعی و با توجه به نظر کارشناس در نظر گرفته می‌شود.^۱

البته از اینگونه خسارات بعضاً تحت عنوان دیگری به نام خسارات غیرمالی نیز یاد شده است.^۲ این خسارات تحت دو عنوان عمده طبقه‌بندی شده‌اند هر چند بعضی از دادگاه‌ها عناوین دیگری نیز اضافه نموده‌اند این ۲ عنوان به قرار زیراند:

- خسارات در قالب درد و ناراحتی^۳: هر چند این نوع خسارت قابل اندازه‌گیری با پول نمی‌باشد، با این حال دادگاه‌ها چنین خسارتی را قابل تقویم محسوب نموده است^۴ و اعلام داشته که این خسارات در موردی که شخص در بیهوشی به سر می‌برد، قابل مطالبه نمی‌باشد.^۵

- خسارت در قالب محرومیت از مواهب زندگی^۶: در صورتی که خواهان از مواهب زندگی در زمینه‌های مختلف آن محروم شود مستحق مطالبه خسارت خواهد بود. این خسارات شامل عدم توانایی در راه رفتن و دویدن^۷، بازی فوتبال، نواختن پیانو و ...

اله سلطانی‌نژاد، مسئولیت مدنی خسارت معنوی، انتشارات نور الثقلین، ۱۳۸۰، ص ۲۸۷

1. John Cooke, Law Of Tort, Financial Times Management, 1999, PP.46,47

2. Non-pecuniary loss

3. Pain and suffering

4. Wise v. kaya (1962) 1 QB 638

5. Hicks v. chief constable of south yorkshire police (1992) 2

به نقل از MARKESINIS Basil, COESTER Michael, ALPA Guldo, ULISTEIN Augustus, Compensation for Personal Injury in English, German & Italian law (A comparative Outline), Cambridge University Press, 2005 p. 46

6. Loss of amenity

7. H. West & son Ltd. v. Shephard 1964 AC 326 at 341 به نقل از

می‌باشد. اگر حادثه زیان‌بار موجب به‌گما رفتن یا زندگی نباتی خواهان شود، در این صورت خواننده ملزم به پرداخت حداکثر خسارات مذکور بابت محرومیت از همه مواهب زندگی خواهد بود.^۲ از جمله این مواهب می‌توان به حق هم‌نشینی اشاره کرد که هرگونه اختلال در آن موجب مسئولیت می‌گردد.^۳ این نوع خسارت شامل خسارات ناشی از تمتعانی است که زوجین از یکدیگر دارند، از قبیل روابط عاطفی، همکاری مشترک و روابط زناشویی.^۴

در حقوق انگلستان بنابر پذیرش اصل لزوم جبران کلیه خسارات جانی وارد به مصلوم، تعیین شاخص و مبلغ واحد برای همه خسارت‌دیدگان منتفی شده و در هر مورد می‌بایست خسارت جانی وارده را با توجه به اوضاع و احوال شخصی و حرفه‌ای و موقعیت مصلوم تعیین شود.^۵

در حال حاضر ارزیابی خسارت معنوی ناشی از صدمه بدنی به وسیله دادگاه بر اساس تعرفه‌های غیررسمی صورت می‌گیرد. این امر موجب صدور آراء مختلف در این خصوص شده که لزوم ارایه تصویب قانونی برای ایجاد رویه واحد با تعرفه‌های مشخص قانونی و نیز افزایش مبالغ خسارت قابل مطالبه در سال‌های اخیر گردید.^۶ بدیهی است در صورت تصویب این قانون و ارایه تعرفه مشخص در این خصوص موجب کاهش اختلاف آرا و پایان دادن به تعرفه‌های غیررسمی در تعیین خسارت خواهد گردید.

MARKESINIS Basil, COESTER Michael, ALPA Guldo, ULISTEIN Augustus, Compensation for Personal Injury in English, German & Italian law (A comparative Outline), Cambridge University Press, 2005 p.46

1. (M. (B.M.) v. V. (M.L.)), 2009 BCSC 1174).

2. Winfeld and Jolowicz on Tort, 14th edition Sweet & Maxwell p. 648

3. Loss of marriage prospects

4. Cook v. JI Kier & Co. 1970 1 WLR 714

5. Vivienne Harpwood, Modern Tort Law, Cavendish Publishing Limited, 2003, P.19

6. The Law Commission, Consultation Paper, Damages For Personal Injury, Non-pecuniary Loss, N.14, London, 1996, P.110

جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس.....۱۴۷

برای نمونه در سال ۱۹۸۵ دادگاه استیناف در دعوی *Croft V. Burnett*، هزار لیره برای درد و رنج بدنی و از دست دادن تعادل فیزیکی زیان دیده، تعیین نمود که در موارد مشابه به عنوان یک مبنای غیررسمی در تعیین خسارات مورد توجه قرار می‌گیرد و همچنین در رابطه با قطع پا یا سایر اعضا مبلغی بین ۳۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ لیره برای درد و رنج و محرومیت از عضو مزبور و برای صدمات شدیدی چون فلج شدن بدن تا ۱۲۵۰۰۰ لیره حکم صادر می‌شود و هر چند سال بر حسب تغییر شرایط اقتصادی تغییر می‌یابد.^۱

ب: خسارت معنوی نزدیکان و بستگان مصدوم

متأسفانه در قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی هیچ اشاره‌ای به قابلیت یا عدم قابلیت جبران این خسارات نشده است، این در حالی است که بسیاری از دعاوی که در کشورهای اروپایی اقامه می‌گردد و در آن‌ها مطالبه خسارت معنوی می‌شود، ناشی از آلام روحی بر مرگ خویشاوندان می‌باشد که بر مبنای عشق و علاقه‌ای است که خواهان نسبت به متوفی دارد. دایره کسانی که می‌توانند مطالبه اینگونه خسارت معنوی را بنمایند در بعضی قوانین وسیع‌تر و در بعضی دیگر تنگ‌تر است. چنان که در بعضی قوانین فقط خویشاوندان عمودی و نزولی و زوجین و در بعضی قوانین دیگر علاوه بر آن‌ها برادر و خواهر متوفی نیز حق مطالبه خسارت معنوی را دارند.^۳

در حقوق انگلستان از بابت فقدان متوفی، صرفاً خویشاوندان نزدیک مستحق دریافت خسارت می‌باشند. در این ارتباط بخش یک از قانون حوادث کشنده (۱۹۷۶) مقرر داشته قانوناً به پدر و مادر میت در صورتی که مجرد باشد یا به همسر در صورتی

1. Law com, n, 140, P.127 the gsb Guide lines P.35 white V.Estate of Constantine 25 Octobre 1989, kemp and kemp V.3, P.206 House croft V.Burnett 1986
2. Pretium Doloris

۳. سید حسن امامی، حقوق مدنی، جلد اول، نشر اسلامیه، ۱۳۸۳، ص ۵۷۹

۱۴۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

که متأهل باشد، از بابت فقدان فرزند یا همسر، مبلغ ۱۰۰۰۰ پوند پرداخت می‌گردد. این مبلغ ثابت بوده و از سال ۲۰۰۲ میزان آن از ۷۵۰۰ پوند به ۱۰۰۰۰ پوند افزایش پیدا کرده است.^۱

این خسارات زمانی قابل جبران هستند که اولاً در نتیجه مرگ مجنی‌علیه، ورود آسیب روانی به خواهان به طور متعارف قابل پیش‌بینی باشد؛ ثانیاً خواهان، خود حادثه یا عواقب آن را ببیند یا بشنود؛ ثالثاً خواهان یک رابطه نزدیک ناشی از عشق و عاطفه با شخص زیان‌دیده داشته باشد. در صورت جمع شرایط بیان شده و احراز آن، خسارت ناشی از شوک عصبی به واسطه فوت نزدیکان و اشخاص مورد علاقه در حقوق انگلستان قابل مطالبه می‌باشد.^۲

در رابطه با جبران خسارت معنوی بستگان مصدوم در حقوق انگلستان، می‌توان به عنوان نمونه به پرونده *Fallon V. Bamment* رجوع کرد. که در یک تصادف رانندگی متوفی به شدت دچار سوختگی شده و یک ماه بعد از آن فوت نمود. دادگاه در خصوص خسارت معنوی ناشی از درد و رنج و از دست دادن تعادل در طول یک ماه حیات او، مبلغ ۱۰۰۰۰ لیره، حکم به وراثت قانونی وی داد.^۳

فصل دوم: خسارات مالی ناشی از صدمات بدنی

عمده خسارات اقتصادی ناشی از خسارات جانی که به مصدوم وارد می‌شود هزینه‌های درمان و خسارات از کار افتادگی دائم یا موقت است. در کنار خسارت اخیر، خسارت اقتصادی از دست دادن درآمد وارد بر خانواده و افراد واجب‌النفقه یا متوفی نیز مطرح می‌شود که در این گفتار به آن می‌پردازیم.

1. Cees Vandam, *European Totr Law*, Oxford University Press, 2006, PP.329,330

۲. هدایت‌اله سلطانی‌نژاد، پیشین، ص ۲۷۳

3. 16 december 1993.kemp and kemp the Quontum of damage v.3 law com n.140 p.64 ۲۸۸ به نقل از سلطانی‌نژاد ص ۲۸۸

الف: خسارت از کارافتادگی

از پیامدهای دیگر نقص عضو یا فوت نفس از دست رفتن منفعت و نیروی کار مصدوم است. از کارافتادگی یک امر نسبی است و بسته به نوع فعالیت و حرفه زیان دیده، متفاوت است. از کارافتادگی کلی و دائمی عبارت است از ناتوانی کامل در انجام هرگونه شغل یا فعالیت در اثر بیماری و یا حادثه از قبیل فقدان دید از دو چشم، قطع یا از کارافتادگی کامل و دائمی دو بازو، دو دست، دو ساق پا یا دو پا، فقدان یک دست و یک ساق و یا امراضی دماغی غیر قابل علاج که باعث اختلال کلی مشاعر می‌شوند. از کارافتادگی موقت به مفهوم از دست دادن موقت توانایی جسمی و یا روحی که فرد را از انجام وظایفش باز می‌دارد.

در ماده ۵ (ق.م.م) آمده است که: «اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگی او شود، وارد کننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است».

علاوه بر این ماده، ماده ۶ (ق.م.م) نیز مقرر می‌دارد: «در صورت مرگ آسیب دیده، زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می‌باشد. اگر مرگ فوری نباشد هزینه‌های معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کارکردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد».

از این دو ماده به خوبی می‌توان فهمید که خسارت از کارافتادگی در حقوق ایران قابل جبران است اما با توجه به اینکه در این کشور نهادی به نام دیه وجود دارد فرض جبران این خسارات در قالب دیه پیش بینی شده است ولی بهتر است در مواقعی که جانی به عمد در پی محروم نمودن زیان‌دیده از کسب درآمد و کار بوده، عدالت قضایی و حفظ هنجارهای اجتماعی و جلوگیری از رفتارهای مجرمانه ایجاب کند که خساراتی تحت عنوان تعزیر علاوه بر دیه توسط مجرم پرداخت شود و نحوه محاسبه آن بدین گونه باشد که در مورد افراد حقوق بگیر به میزان حقوق و مزایای مدت از کارافتادگی و

۱۵۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

در مورد مشاغل آزاد که محاسبه آن با مشکلاتی روبروست با در نظر گرفتن متوسط درآمد و اجاره منافع متعارف مصدوم ملاک قرار گیرد.

در حقوق انگلستان نیز فوت نیروی کار ضمان آور است و صدمه زننده مسئول جبران خسارت ناشی از بین رفتن نیروی کار مصدوم است و آسیب دیده حق دارد خسارت‌های ناشی از فوت و محروم شدن از آن جام کار را چه به نحو کلی یا به شکل جزئی و نیز خسارت ناشی از وخامت وضع اقتصادی آینده خود را از آسیب رساننده دریافت نماید، در قانون این کشور اینگونه است که تعیین مبالغ قابل پرداخت را با توجه به اوضاع و احوال هر مصدوم تعیین می‌کنند. بنابراین، از آنجا که نهادی به نام دیه وجود ندارد، در این ارتباط زیان‌دیده می‌تواند خسارت از کارافتادگی خود را از تاریخ صدمه دیدن تا تاریخ دادرسی و صدور حکم مطالبه نماید. این نوع خسارت جزء خسارت خاص و ویژه ناشی از صدمات جسمانی محسوب می‌شود که ارزیابی آن‌ها با مشکل چندانی مواجه نیست. همچنین در صورتی که به واسطه جراحات وارده به خواهان، او در آینده نتواند به فعالیت شغلی خود بپردازد، می‌تواند خسارت از کارافتادگی مربوط به آینده را نیز مطالبه نماید. این نوع خسارت جزء خسارت عمومی ناشی از صدمات جانی است که به لحاظ کمی و کیفی به شکل دقیق قابل تعیین و ارزیابی نمی‌باشد.^۱

ب: هزینه‌های درمان

هزینه‌های درمان ناظر بر ضررهای مادی است که در پی ایراد خسارت جسمانی و برای ترمیم صدمه بر زیان‌دیده تحمیل می‌شود. هزینه‌های درمانی شامل تمام هزینه‌های پزشکی اعم از حق‌العلاج پزشک و حق‌العامل جراح و هزینه‌های بیمارستان حتی آزمایشات و فیزیوتراپی و سونوگرافی و غیره می‌باشد.

حال باید به این سؤال پرداخت که آیا ضمان هزینه درمان را نیز می‌توان در کنار ضمان به پرداخت دیه جمع نمود؟

1. David Emmet, Remedies, Oxford University Press, 2007, PP.79,80

عده‌ای معتقدند دیه دریافتی پوشاننده تمام خسارات از جمله خسارت‌های ناشی از درمان است و نمی‌توان مبلغی مازاد بر دیه دریافت کرد.^۱ گروه دیگر تجویز پرداخت هزینه درمان را به عنوان مازاد بر دیه قبول دارند. بنا به نظر آن‌ها، چنانچه بر اثر جنایت عمدی یا غیرعمدی، آسیبی به کسی وارد آید که موجب دیه شود، در صورتی که دیه تعیین شده از طرف شارع تکافوی هزینه‌های وارد شده را بنماید و خسارت‌های دیگری به مجنی‌علیه وارد نشده باشد، جانی صرفاً ملزم به پرداخت دیه می‌باشد ولی اگر بر اثر صدمات وارده به مجنی‌علیه، دیه تعیین شده هزینه‌های وارد شده را جبران نکند، به دلایل قاعده لاضرر، بنای عقلا و قاعده تسبیب و قاعده لاجرح و آرا و نظریات فقها،^۲ جانی مکلف به پرداخت خسارت‌های مالی می‌باشد.

به نظر گروهی دیگر، منطقی‌ترین راه آن است که دیه را به ازای خسارات دیگر لحاظ نموده و هزینه‌های درمان را به عنوان خسارت مالی مستقل از دیه در نظر بگیریم و حکم به قابلیت جبران آن بدهیم چه هزینه‌های مربوط، از میزان دیه اختصاص یافته بیشتر باشد و یا نباشد.^۳

ولی به نظر می‌رسد راه حل بهتر این است که باید به مجنی‌علیه این اختیار را داد که یا دیه را به عنوان جبران خسارت قبول کند یا درخواست اعاده وضعیت به حالت سابق را بخواهد یعنی مجنی‌علیه ملزم است یکی از این دو شیوه را انتخاب کند و این دو شیوه قابل جمع نمی‌باشند.^۴ در صورت انتخاب درخواست اعاده وضعیت به حالت سابق، این خسارات شامل تمام هزینه‌های درمان و مدت از کارافتادگی و خسارت‌های معنوی می‌شود، حتی اگر از میزان دیه بیشتر یا کمتر باشد؛ بدیهی است در صورت

۱. محمدعلی اراکی، استعانت از محضر آیت ا... حاج شیخ محمد علی اراکی، نشر معروف، ۱۳۷۳،

ص ۲۳۲

۲. ناصر مکارم شیرازی، مجموعه استفتائات جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات

مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ص ۴۰۷

۳. ایرج بابایی، پیشین، ص ۱۵

۴. در مشافهه حضوری با استاد

انتخاب این گزینه، خسارت مازاد بر دیه سالبه به انتفاء موضوع بوده و تعیین میزان این خسارات با دادگاه و پیرو نظر کارشناس خواهد بود. کارشناس باید در صورت ارجاع امر به او با توجه به هزینه‌های پزشکی مجنی‌علیه و محاسبه مدت از کارافتادگی، مبلغی نیز بابت خسارت معنوی تعیین و نهایتاً حکم عادلانه را با لحاظ تمامی این عناوین صادر نماید.

در نظام حقوقی انگلستان نیز هزینه درمان مصدوم از پیامدهای مالی مهم خسارت جسمانی محسوب می‌شود و صدمه‌زننده مسئول پرداخت هزینه درمان مصدوم شناخته شده است. در این نظام، ضمان نسبت به هزینه درمان حکمی معقول و متعارف است. به عنوان مثال شخص دچار آسیب جسمانی که به بیمارستان مراجعه کرده و وادار به پرداخت هزینه‌های بسیار هنگفتی بابت درمان خود شده باید به حکم عدالت قضایی زیان رساننده را مسئول جبران این خسارات دانست.

ج: خسارت مالی وارده به بستگان مصدوم

یکی دیگر از پیامدهای مالی آسیب بدنی، خسارت مادی وارده به بستگان و خویشاوندان تحت تکفل و واجب‌النفقه مصدوم است. حکم ماده ۶ (ق.م.م.) مقرر می‌دارد: «... در صورتی که در زمان وقوع آسیب، زیان‌دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگهداری نماید و در اثر مرگ او، شخص ثالث از آن حق محروم گردد، وارد کننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند...». در رابطه با جبران خسارات اقتصادی که به خانواده و افراد واجب‌النفقه شخص از کارافتاده وارد می‌شود باید گفت آن‌ها نمی‌توانند مطالبه‌ای مازاد بر دیه از این باب داشته باشند. در مورد فوت نیز از آن جا که مبلغ دیه به خانواده مجنی‌علیه پرداخت می‌شود، منطقی است این مال می‌تواند پرکننده خلاء وجود متوفی لحاظ

شود. در خصوص خسارت از کارافتادگی بستگان مصدوم نیز بر همین اساس می‌توان استدلال کرد که در مواقعی که جانی به عمد در پی محروم نمودن زیان‌دیده از کسب درآمد و کار بوده است، عدالت قضایی و حفظ هنجارهای اجتماعی و جلوگیری از رفتارهای مجرمانه ایجاب می‌کند که به غیر دیه خسارت دیگری علاوه بر آن از مجرم گرفته شود.

در حقوق کشور انگلستان، در صورتی که مصدوم فوت شود یا در نتیجه آسیب وارده، قدرت انجام کار از او موقتاً یا دائماً سلب گردد، افرادی که او قانوناً موظف به اداره و تکفل آنها است، می‌توانند از آسیب‌رساننده تقاضای جبران خسارت ناشی از فوت منفعی کنند که اگر صدمه وارد نمی‌شد، از جانب مصدوم به آنها می‌رسید و صرفاً همسر، والدین و فرزند یا فرزندخوانده (در صورتی که حداقل به مدت دو سال با متوفی زندگی کرده باشد)، می‌توانند خسارت ناشی از محرومیت منافع مصدوم نسبت به خویش را از صدمه‌زننده مطالبه نمایند. مقدار این خسارت از شخصی به شخص دیگر متفاوت است.^۱

در حقوق این کشور این موضوع ثابت است که دادگاه می‌تواند به بستگان میت یا مصدوم خسارت پرداخت کند، ولی ملاکی برای اندازه‌گیری آن ارایه نشده است. فقط یکی از قضاات معیاری مطرح کرده که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن عبارت از منافع مالی متعارفی است که اگر آسیب به مصدوم وارد نمی‌شد، از زندگی یا قابلیت انجام کار او عاید بستگان وی می‌شد.^۲

1. Cees Vandam, Ibid, P.326
2. W.V.H, Rogers, Ibid, P.690

بخش سوم: شرایط کلی جبران خسارت و بررسی نقش افراد دخیل

در خسارت بدنی

رعایت قواعدی برای مطالبه خسارت ضروری است که در مبحث اول به بررسی این قواعد در حقوق ایران و انگلستان می‌پردازیم و در مبحث دوم نقش زیان‌دیده و فاعل زیان را در ورود خسارت بدنی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول: قواعد عمومی جبران خسارت بدنی

از آنجا که خسارت‌های بدنی مانند سایر خسارات از قواعد عمومی جبران خسارت تبعیت می‌کنند، بنابراین لازم است با این قواعد آشنایی پیدا کنیم. برای این که زیان‌دیده بتواند ضرر وارده به خود را مطالبه کند، باید شرایطی وجود داشته باشد که این شرایط را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف: وجود ضرر

اکثر نویسندگان شرایط ضرر قابل مطالبه را در سه عنوان مسلم بودن، مستقیم بودن و مشروع بودن ضرر خلاصه کرده‌اند؛ اما یکی از نویسندگان سه شرط دیگر را نیز به شرایط فوق افزوده است که عبارتند از جبران نشده بودن ضرر، قابل پیش‌بینی بودن ضرر و ناشی از اقدام خود زیان‌دیده نبودن ضرر می‌باشد.^۱

ب: فعل زیان‌بار

فعل زیان‌بار مانند ضرر باید شرایطی داشته باشد تا قابلیت جبران زیان را پیدا کند؛ از جمله این شرایط نامشروع بودن فعل زیان‌بار است (دفاع در صورتی که شرایط مندرج در ماده ۱۵۶ (ق.م.ا.) مصوب ۱۳۹۲ را نداشته باشد از موارد ایجاد مسئولیت است). اکراه در مواقعی موجب معاف شدن عامل ورود زیان از جبران خسارت است مگر در مورد قتل که در تبصره ۱ ماده ۳۷۵ (ق.م.ا.) مصوب ۱۳۹۲ مکره قتل را به جز

۱. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۲۷۷

مواردی که عامل کودک یا دیوانه است از مسئولیت مبری نمی‌داند. حکم این ماده در خصوص غرور و تدلیس نیز قابل تسری است. در خصوص اضطرار باید گفت مضطر از تمامی آثار باقیمانده از عمل خود مصون نمی‌ماند. ماده ۱۵۲ (ق.م.ا.) مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن مؤید این مطلب است. در خصوص فعل زیان‌بار، اثر رضایت زیان‌دیده در خسارت بدنی و صدماتی است که به شخصیت و آزادی انسان‌ها لطمه وارد می‌کند. باید گفت هیچ تردیدی در خصوص بی اثر بودن این رضایت وجود ندارد چون زمانی که انسان در صدمه وارد کردن به جان خود هیچ اختیار و حقی ندارد چطور می‌تواند به دیگران اجازه چنین کاری را بدهد.

ج: رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و ضرر وارده

برای تحقق مسئولیت باید احراز شود که بین ضرر و فعل زیان بار رابطه سببیت وجود دارد، یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده باشد. این احراز رابطه علیت بین دو پدیده موجود یعنی فعل زیان‌بار و خسارت (ضرر) است. در حقوق انگلستان نیز برای این که زیان‌دیده بتواند ضرر وارده به خود را مطالبه کند، باید این سه شرط وجود داشته باشد یعنی فعل زیان‌بار و ضرر و رابطه سببیت؛ اما در رابطه با فعل زیان‌بار در حقوق این کشور باید گفت برای این که فرد مسئول شناخته شود باید مرتکب یک عمل عامدانه و یا قاصرانه شده باشد.^۱ در رابطه با مسئول بودن کسی که از روی قصد موجب اضرار به دیگری می‌شود شکی نیست، ولی برای تشخیص این که چه عملی قاصرانه محسوب می‌شود، رفتار «انسان عاقل»^۲ ملاک قرار می‌گیرد که به نوعی بر عهده او یک وظیفه مراقبت قرار داده شده است که در شرایط و اوضاع و احوال مختلف، تفاوت پیدا می‌کند، به عنوان نمونه راننده هنگام رانندگی باید احتیاطات لازمه را به عمل آورد مثلاً در هنگام لغزنده بودن جاده احتیاطات متناسب با عمل رانندگی این است که سرعت خود را کم کند.

1. W.V.H, Rogers, Ibid, P.78

2. Reasonable man

مبحث دوم: بررسی نقش افراد دخیل در خسارت بدنی

الف: نقش فاعل فعل زیان‌بار در ورود خسارات بدنی

در حقوق ایران و انگلستان هرکس عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا به هر حق دیگر که قانون برای افراد در نظر گرفته لطمه‌ای وارد نماید موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. قانون مدنی، جبران خسارت را بر عهده مباشر قرار داده است بنا به ماده ۳۲۲ (ق.م.) هرگاه یک نفر سبب تلف مالی شود و دیگری مباشر تلف آن مال شود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر این که سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد. ماده ۵۲۶ (ق.م.ا) بیان می‌کند که «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت، بی‌اختیار، جاهل، صغیر، غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است». بنابراین، زیان‌دیده می‌تواند با جمع بودن شرایطی که در بالا ذکر شد ضرر وارده به خود را از فاعل زیان مطالبه کند.

ب: نقش زیان‌دیده در ورود خسارات بدنی

معمولاً وقتی سخن از زیان‌دیده به میان می‌آید متبادر به ذهن، شخص بی‌تقصیر است که در پی وقوع یک جرم از عمل زیان‌بار دیگری متضرر شده حال آنکه در بسیاری از موارد زیان‌دیده خود علت تامه و یا سبب حدوث یک واقعه زیان‌بار می‌باشد.

با توجه به رابطه سببیت، هرکس سبب ورود خسارت به دیگری شده باشد، مسئول جبران آن است. در این نظر معقول اسلام و کامن‌لا متفقند و از طرف دیگر موافق

انصاف و عقل سلیم، طبع و ذوق آدمی نیز هست. اگر اسباب دیگر نیز حضور ظاهری داشته باشند، رشته‌های ارتباطی آن‌ها با حادثه چنان ضعیف است که عرف آن را نادیده می‌گیرد. در نیمه دوم قرن نوزدهم، کامن‌لا برای رها ساختن خود از نظریه تقصیر مشترک به نظریه آخرین فرصت که به تدریج در محاکم رشد و نمو یافته بود، مجال خودنمایی داد. مبنای این عقیده بر مسئول شناختن طرفی استوار است که فرصت ممانعت از بروز حادثه را داشته؛ یعنی اگر زیان‌دیده می‌توانسته در آخرین لحظه خود را از حادثه برهاند و چنین نکرده، هیچ حقی نسبت به غرامت نخواهد داشت.^۱

در حال حاضر تقریباً در تمام نظام حقوقی جهان، تقصیر زیان‌دیده رافع مسئولیت عامل زیان نیست بلکه بر حسب مورد موجب کاهش مسئولیت وی می‌شود. این دیدگاه در حقوق موضوعه ایران نیز قابل پذیرش است، گرچه مصادیق قاعده اقدام چه در حقوق انگلستان و چه ایران زیان‌دیده را از دریافت هر نوع خسارت محروم می‌کند، زیرا در این موارد تقصیر یا اقدام زیان‌دیده علت اصلی و منحصر زیان وارده می‌باشد. برای این که تقصیر زیان‌دیده به مسئولیت عامل زیان مؤثر باشد باید اولاً زیان ایجاد شده قابل انتساب به تقصیر زیان‌دیده باشد و ثانیاً تقصیر عامل زیان، منشأ و محرک اقدام زیان‌دیده نباشد. برای مثال راننده اتومبیلی با بی‌احتیاطی رانندگی کند به گونه‌ای که اتومبیل در معرض واژگونی یا تصادف قرار گیرد و سرنشین آن برای نجات، خود را به بیرون پرت کند و صدمه ببیند. اقدام سرنشین اثری بر کاهش مسئولیت راننده ندارد و راننده مسئول خسارت وارده به زیان‌دیده است.

در رابطه با معیار تقسیم مسئولیت بین زیان‌دیده و عامل زیان، در نظام کامن‌لا میزان تأثیر هر یک از اسباب در وقوع خسارت، معیار تقسیم خسارت معرفی شده است؛ در حالی که در حقوق ایران، حکم به تساوی مسئولیت داده می‌شود و در صورتی که ثابت شود زیان‌دیده به همراه عامل زیان در وقوع خسارت دخالت داشته، هر یک از آن‌ها به

۱. محمود کاظمی، اثر فعل زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان، برگرفته از سایت www.maavanews.ir در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۷

۱۵۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

طور مساوی مسئول خسارت وارده می‌باشند. بنابراین زیان‌دیده از مطالبه خسارت نسبت به نصف آن محروم می‌شود. پس:

جایی که زیان‌دیده خود سبب اصلی و منحصر ورود خسارت می‌باشد، محرومیت مطلق او از دریافت خسارت امری منطبق بر موازین عقلی و عدالت است. همچنین در موردی که فعل زیان‌دیده جزئی از ورود خسارت باشد، حقوق انگلستان با ملاک قرار دادن میزان تقصیر زیان‌دیده به ارزیابی درجه تأثیر فعل نام برده و در نتیجه صدور حکم به پرداخت مقداری از خسارت اولیه می‌نماید. در حقوق موضوعه ایران و (ماده ۱۴ (ق.م.م)) به لحاظ مداخله عاملین ورود زیان، توزیع مسئولیت به میزان اهمیت تقصیر را پذیرفته بود. در نهایت با وضع قانون مجازات اسلامی (مواد ۵۲۷ و ۵۲۸) حکم به تساوی در حقوق ایران پیش‌بینی شده است و با توجه به مؤخرالتصویب بودن این قانون به نظر می‌آید فرض قانونگذار را در ماده ۱۴ (ق.م.م) باید امری استثنایی و ناظر به مورد خاص قلمداد و حکم مجازات قانون اسلامی را در تمام مواردی که دو سبب در وقوع خسارت دخالت دارند، اعمال نمود.

بخش چهارم: نهادهای مسئول در جبران خسارت بدنی

در این بخش به بررسی نقش دولت در حقوق ایران و انگلستان و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در حقوق ایران و MIB^۱ در حقوق انگلستان می‌پردازیم.

مبحث اول: نقش دولت در جبران خسارت

مهمترین دغدغه خاطر بزه‌دیدگان جرایم، پیش از آن که اجرای مجازات بزه‌کار باشد، جبران خساراتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده‌اند. به همین جهت، جبران خسارت بزه‌دیده نقش مهمی را در سیاست جنایی داراست. با این حال عوامل مختلفی باعث شده است که دل بستن به جبران خسارت توسط بزه‌کار در همه موارد،

1. Motor Insurers' Bureau (<http://www.mib.org.uk/Home/en/default.htm>)

برگرفته از سایت

امیدی خام جلوه نماید. بنابراین، ضرورت‌ها ایجاب نموده است تا دولت به این مهم اقدام کند. در نتیجه اصلی به نام اصل جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت که ما از آنگاه با عنوان اصل جبران دولتی خسارت یاد می‌کنیم تأسیس شده است. اهمیت این اصل از آنجا روشن می‌شود که برخی دولت‌ها حتی در جایی که ظواهر امر حاکی از مسئولیت داشتن آن‌ها در قبال خسارات اشخاص است، به بهانه‌های مختلف هم چون حاکمیتی قلمداد کردن اقدامات خویش، از جبران خسارت متضررین استنکاف کرده‌اند.^۱ اندیشه جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت، پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و آمریکای شمالی مطرح شد. البته باید به نقش شورای اروپا در تصویب «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت بار» مصوب ۲۴ دسامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ اشاره کرد که با ایجاد سند منطقه‌ای الزام‌آور، کشورهای عضو را تحت تأثیر خویش قرار داد. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت» را تصویب نمود و در ماده ۱۲ بر نقش دولت در زمینه جبران خسارت بزه‌دیده تأکید نمود. اعلامیه مزبور هر چند جنبه الزام‌آور ندارد، می‌تواند مبنایی برای شناسایی حقوق بزه‌دیدگان قرار گیرد.^۲

الف: نقش دولت در حقوق ایران

برای دانستن نقش دولت در حقوق ایران باید آن را از نظر فقهی مورد بررسی قرار دهیم. قاعده «لایبطل دم امرء مسلم»: قاعده هدر نرفتن خون مسلمان از زمره مهمترین قواعد باب دیات است. مراد از این قاعده آن است که اگر مسلمان محقون‌الدمی کشته شود و قاتل وی به هر علت قصاص نشود، حال یا بدان علت که قتل صورت گرفته عمدی نبوده و یا اگر هم عمدی بوده است به علت موانع ثبوتی یا اجرایی قصاص،

۱. محمد آشوری، عدالت کیفری در حقوق جزای اسلام، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۸۰.
۲. احمد حاجی‌ده‌آبادی، از میزان خسارت بزه‌دیده توسط بزه‌کار تا میزان خسارت توسط دولت، نشریه فقه و حقوق، شماره ۳، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵.

۱۶۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

نوبت به قصاص نرسد، در هر صورت خون وی به هدر نمی‌رود و باید دیه نفس در ازای آن پرداخت شود. از آن جا که در برخی روایات واژه «دم» بدون اضافه به کلمه‌ای آمده است، برخی از این قاعده به نام قاعده ارزش خون^۱ یاد کرده‌اند؛ در روایتی صحیح، ابی‌بصیر می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره حکم مردی سؤال کردم که مردی را عمداً به قتل رسانده و سپس فرار کرده است و به او دسترس نیست. حضرت (ع) فرمودند: اگر مال دارد دیه کامل از آن گرفته می‌شود و گرنه از خویشاوندانش به نحو الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود. اگر خویشاوندی ندارد، امام آن را می‌پردازد، زیرا خون مسلمان باطل نمی‌شود.^۲ بنابراین پرداخت دیه جرایم عمدی و شبه‌عمد (مانند قتل ناشی از بی احتیاطی در رانندگی) برعهده مرتکب جرم است ولی اگر فرار کند از مال او گرفته می‌شود و اگر مال نداشته باشد، از بستگان نزدیک او گرفته می‌شود. اگر بستگانی نداشت و یا بستگان او فاقد بضاعت مالی بودند، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود. هرگاه شخص یا اشخاصی در اثر ازدحام کشته شوند و یا جسد مقتولی در خیابان و اماکن عمومی پیدا شود و نتوان این قتل را به کسی منتسب کرد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. فرقی نمی‌کند که متوفی به واسطه قتل عمد کشته شده باشد یا قتل غیرعمد.

ب: نقش دولت در حقوق انگلستان

در سطح کشورها، اصل جبران دولتی خسارت ابتدا در سال ۱۹۶۳ در زلاندنو مطرح شد. انگلستان دومین کشوری بود که به این امر پرداخت. اصل مزبور در سال ۱۹۶۴ در انگلستان در قالب طرحی آزمایشی به اجرا در آمد و سیر تکاملی خاصی پیدا نمود. جبران خسارت که بر اساس یک پیش‌نویس قانون که وزارت کشور آن را تهیه کرده بود به اجرا در آمد، پس از ۲۴ سال در سال ۱۹۸۸ پارلمان در زمینه آن قانونگذاری کرد

۱. احمد عابدینی، کاوشی نو در فقه اسلامی، قاعده ارزش خون انسان، شماره ۴۰، ۱۳۸۳، ص ۴۴ و ۷۹

۲. شیخ محمد بن حسین حر عاملی، وسائل الشیعه، جلد ۱۹، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۲۹۵

جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس..... ۱۶۱

و مواد ۱۰۸ تا ۱۱۷ قانون عدالت کیفری^۱ را به آن اختصاص داد. در سال ۱۹۹۵ جبران دولتی خسارت در سیزده ماده و به شکل قانون مستقلی به نام قانون جبران صدمات کیفری^۲ به تصویب رسید که بر اساس آن طرحی در سال ۱۹۹۶ اجرا شد. در سال ۲۰۰۱ طرح جدید^۳ جایگزین طرح قبلی شد. کشورهای دیگر هم مثل فرانسه در سال ۱۹۷۷ و آلمان در ۱۹۷۶ در این زمینه اقداماتی کردند.^۴

از جمله توجیهاتی که برای جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت شده است، مسأله همبستگی اجتماعی^۵ است. کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌بار بر همین مبنا در مقدمه تأکید می‌کند:

«با توجه به این که به دلیل انصاف و هم بستگی اجتماعی پرداختن به وضعیت بزه دیدگان جرم‌های عمدی خشونت‌بار که به آسیب بدنی یا آسیب به سلامتی دچار شده‌اند و بستگان کسانی که در پی چنین جرم‌هایی مرده‌اند، ضروری است...».

کشور انگلستان نیز مبنای جبران خسارت بزه‌دیده را به نوعی همین مبنا می‌داند. پیش‌نویس اول قانون در سال ۱۹۶۴ که مبنای طرح جبران صدمات کیفری^۶ بود اشعار می‌داشت: دولت نمی‌پذیرد که در قبال صدماتی که در اثر اعمال سایرین به افراد وارد می‌شود، مسئول باشد. با وجود این، عموم مردم نسبت به بزه‌دیده بی‌گناه احساس مسئولیت و همدردی^۷ می‌کنند و صحیح است که این احساس باید در مقررات جبران خسارت از طرف جامعه به صورت عملی متجلی شود.^۸

در تبیین این مبنا می‌توان چنین گفت که گرچه «همبستگی اجتماعی» بیشتر دخالت جامعه مدنی در جبران خسارت بزه‌دیده را تداعی می‌کند، در اصل به وظیفه دولت

1. Criminal Justice Act
2. Criminal Injuries Compensation Act 1995
3. The Criminal Injuries Compensation Scheme

۴. احمد حاجی‌ده آبادی، پیشین، ص ۱۰۵ و ۱۰۶

5. Social Solidarity
6. Criminal Injuries Compensation Scheme
7. public sympathy

۸. احمد حاجی‌ده آبادی، پیشین، ص ۱۱۱

۱۶۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

مربوط می‌شود. همبستگی اجتماعی آحاد مردم اقتضا می‌کند که خسارت او جبران شود. اما برای این که همه جامعه در این میان سهم باشند، این دولت است که از محل درآمدهای عمومی و از اموالی که متعلق به همه مردم است، خسارت بزه‌دیده را جبران می‌نماید حال اگر بخشی از جامعه به جبران خسارت بزه‌دیده پردازند، همگان در این امر سهم نبوده‌اند و همبستگی اجتماعی صورت پذیرفته است.^۱

از طرف دیگر صندوقی به نام صندوق جبران زیان‌های ناشی از عمل مجرمانه^۲ وجود دارد که طرح آن در سال ۱۹۶۴ در انگلستان تدوین شد و بهترین طرحی است که جبران خسارت را توسط دولت مقرر می‌کند. این الگو را نمی‌توان نوعی سیستم غیر تقصیر^۳ تلقی کرد. این صندوق بر اساس نقض مقررات جزایی «تجاوز» مقرر شده و بدیهی است در هر شبه‌جرم، تقصیر وجود دارد. از این طرح اشخاصی استفاده می‌کنند که از نظر مسئولیت مدنی استحقاق جبران زیان داشته باشند.^۴

با تحولات تازه در این صندوق در سال ۱۹۹۵ اصولی بر آن حاکم شد. از جمله طبقه‌بندی جرایم، نحوه دخالت زیان‌دیده در ایجاد زیان و تعیین حداکثر زیان تا سقف ۲۵۰ هزار دلار برای هر تجاوز و کل مبلغ پرداختی از صندوق تا سقف ۵۰۰ هزار دلار می‌باشد. پارلمان به صورت مستقیم بودجه آن را تعیین می‌کند و زیان‌دیدگان حق دارند به صورت مستقیم علیه صندوق طرح دعوا کنند تا پس از اثبات شرایط خود و بررسی دفاع صندوق در دعوا، حکم شایسته صادر شود.^۵

۱. احمد حاجی ده آبادی، پیشین، ص ۱۱۲

2. Criminal Injuries Compensation Board

3. No- fault

4. Mark Lunney & Ken Oliphant, Tort Law: Text And Materials, Oxford University Press, 2000, P.798

۵. عبدالله خدا بخشی، بطلان رویه قضایی و رویه قضایی باطل، نشریه تازه‌های جهان بیمه، شماره ۳۲،

الف: صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مستقر در شرکت بیمه مرکزی ایران، در اجرای ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی برای جبران زیان‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه و بطلان قرارداد بیمه و تعلیق قرارداد بیمه و تعلیق تأمین بیمه‌گر فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی برای جبران خسارت‌های خارج از شرایط بیمه‌نامه تأسیس می‌شود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران اداره خواهد شد.^۱

موارد ذیل از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است: ۱- خسارات ناشی از فورس ماژور از قبیل جنگ، سیل و زلزله ۲- خسارات وارده به محمولات وسایل نقلیه مورد بیمه، ۳- خسارات مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو، ۴- خسارات وارد به متصرفین غیرقانونی وسایل نقلیه یا به رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی، ۵- خسارات ناشی از محکومیت جزایی و پرداخت جرایم، ۶- خسارات ناشی از حوادثی که در خارج از کشور اتفاق می‌افتد مگر اینکه توافقی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار در این موضوع شده باشد، دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مسئولیت جبران زیان‌دیدگان حوادث رانندگی را که مقصر آن فاقد بیمه نامه شخص ثالث، متواری و یا ناشناس باشد را بر عهده دارد.

چنانچه خسارت وارده بر اثر حادثه‌ای باشد که مسئول حادثه فرار کرده باشد و یا پس از تحقیقات کافی شناخته نشده باشد، زیان‌دیدگان می‌توانند ظرف سه ماه از تاریخ وقوع حادثه به صندوق مراجعه و با تسلیم مدارک لازم تقاضای جبران خسارت نمایند. مقامات انتظامی که به حوادث وسایل نقلیه موتوری زمینی رسیدگی می‌کنند در صورتی که متوجه شوند مسئول حادثه فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث است یا در مواردی که مسئول حادثه فرار کرده یا شناخته نشده باشد، موظفند یک نسخه از صورت مجلس و گزارش

۱. ایرج بابایی، حقوق بیمه، انتشارات سمت، ۱۳۳۱، ص ۲۴۲

۱۶۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

فنی خود را در مورد حادثه برای اطلاع صندوق ارسال دارند. صندوق تأمین پس از دریافت درخواست غرامت زیان‌دیدگان و وصول پرونده خسارت و اطلاعیه بیمه‌گر در مورد رد مطالبه خسارت زیان‌دیدگان و مدارک و اسناد لازم دیگر مدارک و اسناد واصله را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و با توجه به مقررات این آیین‌نامه نسبت به پرداخت خسارت اقدام می‌کند. این صندوق که فقط موظف به جبران خسارت‌های بدنی است، برای جبران این خسارت، یک سقف تعهد دارد که براساس مصوبات هیأت وزیران این سقف تعهد تغییر می‌کند.

در صورتی که زیان‌دیدگان از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه‌های اجتماعی یا سازمان بیمه کارمندان دولت یا صندوق‌های ویژه جبران خسارت غرامت دریافت نمایند، صندوق غرامتی نخواهد پرداخت و هیچ یک از بیمه‌گران و سازمان‌های بیمه‌ای و صندوق‌های ویژه جبران غرامت، حق مراجعه و تقاضای استرداد خسارت پرداخت شده به اشخاص ثالث را از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ندارد.

ب: صندوق موسوم به (Motor Insurer's Bureau) MIB

در حقوق انگلستان نهادی تحت عنوان MIB در سال ۱۹۴۵ با قانون 194 (Contributory Negligence) Act تأسیس شده که «دفتر بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری» ترجمه می‌شود. فلسفه تأسیس این نهاد حمایت از قربانیان و زیان‌دیدگان حوادث جاده‌ای است؛ زیرا به رغم وجود بیمه اجباری، مواردی پیش می‌آید که زیان‌دیدگان حوادث جاده‌ای عملاً از جبران خسارت محروم می‌مانند. لذا این نهاد برای جبران مطمئن‌تر خسارت این‌گونه اشخاص به وجود آمده است.

برای این که از متقاضی مطالبه خسارت، جبران خسارت شود و مبلغ مورد نظر به وی پرداخت شود، باید شرایطی مهیا شود که عبارتند از: این که اولاً متقاضی می‌بایست قادر به تعقیب و دنبال کردن شخص مسئول حادثه و زیان‌زننده نباشد. ثانیاً صدمه یا خسارت ایجاد شده باید در شرایط و اوضاع و احوالی به وجود آمده باشد که طی آن با بررسی احتمالات بتوان راننده فراری را مسئول و مقصر خسارت وارده به زیان‌دیده به

جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس.....۱۶۵

شمار آورد. ثالثاً خسارت یا صدمه ایجاد شده از جمله مسئولیت‌هایی باشد که طبق قانون حمل و نقل جاده‌ای مصوب ۱۹۸۸، می‌بایست به طور اجباری مورد بیمه واقع می‌شد. رابعاً صدمه یا خسارت ایجاد شده نباید به صورت عمدی و ناشی از سوء قصد باشد.^۱

در صورتی که تقاضای مطالبه از سوی متقاضی در یکی از شرایط و اوضاع و احوال ذیل درخواست شود، این موافقت‌نامه در مورد آن اعمال نمی‌شود و خسارتی از جانب MIB پرداخت نمی‌شود. تمامی این موارد استثناً در ماده ۵ موافقت‌نامه آمده است: اولاً در جایی که هیچ دعوی راجع به مرگ یا صدمه بدنی مطرح نشده است و فقط خسارت به اموال وارد شده و خود وسیله نقلیه ناشناخته باشد، در این صورت موافقت‌نامه رانندگان ناشناخته، در مورد آن دسته از دعاوی و خسارات مالی اعمال نمی‌شود. ثانیاً دعاوی برآمده از وسایل نقلیه‌ای که تحت تصرف یا مالکیت پادشاهی یا دولت بریتانیا باشد. ثالثاً دعاوی مربوط به تروریسم نباشد. رابعاً دعاوی برای جبران غرامت از خسارت سرنشین وسیله نقلیه‌ای که آن وسیله بیمه‌نامه نداشته است و متقاضی می‌دانسته یا می‌بایست می‌دانست که آن وسیله نقلیه فاقد پوشش بیمه‌ای بوده است. خامساً این خسارت در جایی قابل پرداخت است که متقاضی هیچ زیان مالی و مادی متحمل نشده یا به طریقی از زیان وارده به وی جبران خسارت شده باشد پس MIB نسبت به زیان‌های معنوی هیچ مسئولیتی ندارد و در مواردی که زیان وی به طریقی جبران گردد، این مسئولیت از عهده صندوق خارج می‌شود. سادساً در مواردی که مدعی یا متقاضی می‌دانسته که وسیله نقلیه‌ای که وی سرنشین آن است سرقتی بوده یا برای استفاده جهت ارتکاب جرم یا برای فرار و گریختن از یک توقیف قانونی به کار رفته است. اثبات علم و اطلاع متقاضی از موارد فوق برعهده MIB است.

۱. یونس عبدی مصباح، دفتر بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری در حقوق انگلستان، نشریه تازه‌های جهان

بیمه، شماره ۱۱۶، ۱۳۸۶، ص ۷

۲. یونس عبدی مصباح، پیشین، ص ۹

در مواردی که حادثه به وجود آمده ناشی از تقصیر دو شخص یعنی یک شخص شناخته شده و یک شخص ناشناخته و فراری می‌باشد، سقف مسئولیت MIB تا حد مسئولیت شخص ناشناخته می‌باشد و متقاضی موظف است که علیه شخص و متخاطی شناخته شده در دادگاه اقامه دعوی نماید و علیه وی حکمی تحصیل نماید. حال اگر طی سه ماه از این حکم تحصیل شده هیچ مبلغی به زیان‌دیده پرداخت نشده باشد، مسئولیت MIB برابر با همان سهم راننده مقصر ناشناخته از کل مبلغ خسارت خواهد بود و اگر طی سه ماه فقط قسمتی از مبلغ حکم تحصیل شده جبران شده باشد، مبلغ پرداختی توسط MIB، هر کدام از دو مبلغ که بیشتر باشد خواهد بود. این دو مبلغ عبارتند از بخش جبران نشده حکم صادره و سهم شخص راننده فراری.

اگر متقاضی علیه مقصر شناخته شده حکمی نسبت به مرگ، صدمه بدنی یا خسارات مالی تحصیل ننموده باشد و هیچ مبلغی هم به عنوان جبران خسارت از چنین شخصی دریافت نکرده باشد، در این صورت MIB مبلغی معادل مسئولیت شخص فراری و ناشناخته به متقاضی خواهد پرداخت و در نهایت اگر علیه شخص مقصر شناخته شده حکمی تحصیل کرده باشد و وی فاقد پوشش بیمه‌ای باشد، مفاد موافقت نامه اول مربوط به رانندگان بیمه نشده در مورد وی اعمال خواهد شد.^۱

طرح دعوی و مطالبه خسارت باید در یک محدوده زمانی معین ارایه شود. نسبت به دعاوی ناشی از مرگ و صدمات بدنی، این دعوی و تقاضا باید طی سه سال از زمان تصادف و نسبت به دعاوی راجع به خسارت مالی، طی نه ماه از زمان رخداد حادثه و ایجاد خسارت مطرح شود. این محدودیت زمانی نسبت به مرگ و صدمات بدنی و خسارت مالی به طور جداگانه اعمال می‌شود. البته در مواردی که نمی‌توان از متقاضی به طور متعارف انتظار داشت که از خسارت ایجاد شده مطلع شده باشد، در این صورت تقاضای وی به محض اطلاع وی از این که خسارت ایجاد شده، درخواست می‌شود؛ ولی در این حالت نیز محدوده زمانی راجع به مرگ و صدمات بدنی، پانزده

سال و نسبت به خسارت‌های مالی دو سال بعد از رخداد حادثه است و نمی‌تواند فراتر از این محدوده زمانی تقاضایی داشته باشد.

در این موافقت‌نامه یک مهلت دیگر وجود دارد و آن این که متقاضی موظف است بعد از رخداد حادثه و تصادف، آن را به پلیس محل تصادف اطلاع دهد و این محدوده زمانی نسبت به دعاوی راجع به مرگ و صدمات بدنی، چهارده روز بعد از ایجاد حادثه و نسبت به دعاوی راجع به خسارات مالی، ۵ روز بعد از حادثه مورد نظر می‌باشد. این مدت در مواردی که نمی‌توان به طور متعارف انتظار این را داشت که طی زمان مقرر آن را اطلاع دهد، اعمال نمی‌شود.^۱

نتیجه‌گیری

با توجه به دغدغه مهم قانونگذاران در جبران خسارت بدنی و نتیجتاً جبران آسیب‌های مالی و غیرمالی مربوطه و پذیرش اصل لزوم جبران کامل خسارات، در صورت ناتوانی عامل ورود زیان و یا عدم شناسایی او دولت‌ها نیز حظی در امر جبران خسارات به عهده گرفته‌اند. این سهم از مسئولیت دولت در حقوق ما در قالب دیه از بیت المال قابل پرداخت است، و در نظام حقوقی انگلستان نیز، دولت با توجه به نظریه همبستگی اجتماعی، از محل درآمدهای عمومی جبران می‌نماید.

جبران خسارت بدنی معمولاً از طریق پرداخت پول صورت می‌گیرد، اما عملکرد یکسانی برای جبران این خسارات در حقوق دو کشور ایران و انگلستان دیده نمی‌شود. در قوانین کیفری در مورد ایراد خسارات بدنی و جانی، مبلغی با توجه به نوع و شدت خسارت وارده به عنوان دیه تعیین شده، و در قوانین مدنی نیز قانون مسئولیت مدنی جبران ضرر و زیان بدنی را در طیف وسیعی از خسارت (خسارت معنوی و خسارت از کارافتادگی و خسارت ناشی از درمان) به رسمیت می‌شناسد. اما با توجه به این که در برخی فروض دیه تمام خسارت و هزینه‌های درمانی را پوشش نمی‌دهد، ثابت

۱۶۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

دانستن میزان خسارات در قالب دیه به نظر منطقی نمی‌نماید؛ امری که مطالبه خسارت مازاد بر دیه را توجیه می‌نماید. اما به نظر می‌رسد، جمع عنوان دیه و خسارت با مانع قانونی مواجه باشد و لذا اعتقاد نویسندگان بر آن است که به معنی‌علیه این حق انتخاب دریافت یکی از دو عنوان دیه و مبلغی که قاضی با جلب نظر کارشناس به عنوان خسارت معین می‌کند را اعطا نمود. بدیهی است چنانچه عنوان خسارت مورد مطالبه معنی‌علیه باشد، کل خسارات اعم خسارات بدنی، خسارت معنوی، خسارت از کارافتادگی و خسارت ناشی از درمان نیز می‌تواند در ضمن این عنوان پوشش داده شود.

اما در حقوق انگلستان انواع خسارت‌های معنوی و مادی ناشی از خسارات بدنی قابل جبران است اما پذیرش مبلغ معین و از پیش تعیین شده در حقوق این کشور جایی ندارد و جای خود را به ارزیابی موردی خسارت جانی داده که تعیین میزان آن براساس سن، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های زیان‌دیده و اوضاع و احوال هر مصدوم توسط کارشناس تعیین می‌شود و هنوز معیار مشخص و معینی برای جبران این خسارات در نظر گرفته نشده و سبب شده که در موارد مشابه آرای متفاوتی صادر شود. البته هر چند تامین عدالت واقعی در این جهان در هیچ نظام حقوقی امکان پذیر نیست.

منابع

۱. آشوری، دکتر محمد، عدالت کیفری در حقوق جزای اسلام، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶
۲. اراکی، آیت ا... محمدعلی، استعانت از محضر آیت ا... حاج شیخ محمدعلی اراکی، نشر معروف، قم، چاپ اول، سال ۱۳۷۳
۳. امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، نشر اسلامیه، سال ۱۳۸۳
۴. بابایی، دکتر ایرج، جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲۸، بهار ۱۳۸۹
۵. بابایی، دکتر ایرج، حقوق بیمه، انتشارات سمت، چاپ دهم، سال ۱۳۳۱
۶. پروین، دکتر فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۰
۷. حاجی ده‌آبادی، احمد، نشریه فقه و حقوق، از میزان خسارت بزه‌دیده توسط بزه‌کار تا میزان خسارت توسط دولت، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۵
۸. حر عاملی، شیخ محمد بن حسین، وسائل الشیعه، جلد ۱۹، انتشارات اسلامیه، قم، چاپ ششم، ۱۳۶۷
۹. خدا بخشی، عبد ا...، بطلان رویه قضایی و رویه قضایی باطل، نشریه تازه‌های جهان بیمه، فروردین ۱۳۳۱، شماره ۳۲
۱۰. سلطانی‌نژاد، دکتر هدایت ا...، مسئولیت مدنی خسارت معنوی، چاپ اول، تهران، انتشارات نور الثقلین، ۱۳۸۰
۱۱. صفایی، سید حسین، ترجمه و تلخیص «درآمدی بر حقوق تطبیقی دو نظام بزرگ حقوقی معاصر» نوشته داوید رنه و کامی ژوفره اسپینوزی، نشر میزان، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۸۱
۱۲. عابدینی، احمد، قاعده ارزش خون انسان، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۰، سال یازدهم، تابستان ۱۳۸۳

۱۷۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۶

۱۳. عباسلو، دکتر بختیار، مسئولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)، چاپ اول، نشر میزان، تهران، زمستان ۱۳۹۰

۱۴. عبدی مصباح، یونس، دفتر بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری در حقوق انگلستان، نشریه تازه‌های جهان بیمه، شماره ۱۱۶، ۱۳۸۶

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، الزامات خارج از قرارداد، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۴

۱۵. کاظمی، محمود، اثر فعل زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان، بر گرفته از سایت: www.maavanews.ir

۱۶. معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات سی‌گل، جلد دوم، ۱۳۳۲، ه تا خ تعریف واژه خسارت

۱۷. مکارم شیرازی، آیت‌الله ناصر، مجموعه استفتائات جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)

1. CAMPBELL BLACK, Henry, Black's Law Dictionary, 7th Edition, West Publishing Co., 1983

2. COOKE, John, Law Of Tort, 4th Edition , Financial Times Management, 1999

3. EMMET, David, Remedies, Oxford University Press, London, 2007

4. HARPWOOD, Vivienne, Modern Tort Law, 6th Edition, Cavendish Publishing Limited, London , 2003

5. LUNNEY, Mark & OLIPHANT, ken, Tort Law: Text And Materials, Oxford University Press, London, 2000

6. MARKESINIS Basil, COESTER Michael, ALPA Guldo, ULISTEIN Augustus, Compensation for Personal Injury in English, German & Italian law (A comparative Outline), Cambridge University Press, 2005

7. ROGERS, W.V.H., Winfield And Jolowicz On Tort, 14th Edition, Sweet & Maxwell, London, 1994

8. The Law Commission, Consultation Paper, Damages For Personal Injury, Non-pecuniary Loss, N.14, London, 1996

جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس.....۱۷۱

9. TREITEL, G.H., The Law Of Contract, 9th Edition, Sweet & Maxwell/ Stevens & Sons, London, 1995
10. VANDAM, Cees, European Tort Law, 1th Edition, Oxford University Press, London, 2006
11. Winfeld and Jolowicz on Tort, 14th edition Sweet & Maxwell 1994